



این تاکتیک هم

با شکست روبرو خواهد شد

کشتار زندانیان سیاسی چپ در ترکیه

سیاسی کمونیست و چپ را درهم بشکنند. اعتصاب غذا در سلول های انفرادی نیز ادامه یافت. اما رژیم بازم با بی رحمی تمام به سیاستهای سرکوبگرانه خود ادامه داد و از پذیرش خواستههای برحق زندانیان سیاسی سرباززد. اکنون ادامه اعتصاب غذا به نقطه‌ای رسیده است که دیگر تمام قوای زندانیان به تحلیل رفته و با گذشت هرروز، تعداد دیگری جان خود را از دست می دهند. بنابراین اگر اوضاع بر همین منوال بگذرد، در چند روز آینده نیز تعداد دیگری از زندانیان سیاسی جان خود را از دست خواهند داد. در برابر مسئله ای به این اهمیت که هر روز تعدادی از زندانیان سیاسی ترکیه به خاطر اعتقادات انسانی و آزادیخواهانه شان جان می بازند و دولت ترکیه در حال کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی ست، هیچ واکنش بین المللی و اعتراض جدی صورت نگرفته است. پس کجا هستند این همه سازمانهای عریض و طویل دفاع از حقوق بشر و زندانیان سیاسی؟ کجا

درچندروز اخیر خبرگزاریهای جهان خبر از مرگ تعداد دیگری از زندانیان سیاسی ترکیه منتشرکردند. با گذشت هرروز برتعداد کسانی که در زندانهای رژیم ترکیه جان می بازند افزوده می شود. تا به امروز در جریان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی چپ ترکیه ۱۲ تن جان باخته اند.

این اعتصاب غذا از مدتی پیش در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه وضد بشری دولت ترکیه علیه زندانیان سیاسی، از جمله طرح انتقال این زندانیان به زندانهای جدید و سلول های انفرادی آغاز گردید. دولت ترکیه برای درهم شکستن مقاومت زندانیان سیاسی و مرعوب کردن آنها، نیروهای نظامی خود رابه خدمت گرفت و چندین واحد از نیروهای نظامی در نیمه شب به زندانها یورش بردند و زندانیان بی دفاع را سرکوب کردند. در جریان این سرکوب و انتقال اجباری زندانیان به زندان های جدید، تعدادی از زندانیان سیاسی را کشتند. اما کشتار و سرکوب رژیم ترکیه هم نتوانست مقاومت و ایستادگی دلیرانه زندانیان

مسائل سیاسی ایران در چند روز گذشته تحت الشعاع دستگیری دهها تن از سران اپوزیسیون نیمه قانونی رژیم قرار گرفت. بازداشت حدود ۴۰ تن از سران گروه های موسوم به ملی - مذهبی که به رغم برخی انتقاداتشان، همواره مدافع جمهوری اسلامی بوده و فعالیت هایشان نیزهیچگاه از محدوده قوانین جمهوری اسلامی فراتر نرفته است، به اتهام اقدامات براندازانه، واکنش هائی را در درون و بیرون رژیم و در سطح بین المللی برانگیخت. این واکنش ها عمدتاً ابراز مخالفت نسبت به این بازداشت ها و محکومیت آن بود، بدون این که نتیجه ای در پی داشته باشد. چرا که رژیم، سیاست های سرکوبگرانه خود را بدون توجه به این واکنش ها ادامه داده است. در حقیقت نیز این موج دستگیریها، اقدامی مجزا و منفردی در مجموعه اقدامات حکومت اسلامی نبوده، بلکه حلقه ای از زنجیره اقدامات سرکوبگرانه رژیم برای مهار بحران سیاسی در ایران است. از چند سال پیش هنگامی که رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران سیاسی جدی روبرو گردید، جناح های هیئت حاکمه با درپیش گرفتن دو تاکتیک به مقابله برای مهاربحران برخاستند. جناح مسلط هیئت حاکمه برتشدید اختناق و سرکوب تاکید داشت و حال آنکه جناح دیگر براین نظر بود که این بحران عمیق تر از آن است که با تشدید اختناق و سرکوب حل شود. از این رو بر انجام برخی اصلاحات ناچیزدر نهادها و قوانین رژیم و کاستن از شدت فشار های سیاسی و اجتماعی تاکید نمود. جناح

صفحه ۳

صفحه ۲

نشست مشترک رهبری حزب کمونیست ایران

و سازمان فدائیان (اقلیت)

صفحه ۴

طبقه کارگر و مسئله ملی

بگیرد و چنانچه بررسی مسئله در یک کشور مشخص مورد نظر باشد، خصوصیات مشخص دوره معین تاریخی این کشورکه آن رافرضا از سایر مناطق دیگر متمایز می سازد، نیز به حساب آورده شود. از نقطه نظر مسئله ملی و جنبش های ملی، دو دوره سرمایه داری که به طور اساسی از یکدیگر متمایزند وجود دارد. دوره نخست دوره ورشکستگی و فروپاشی فئودالیسم و حکومت های مطلقه است که درعین حال هم زمان است با شکوفائی سرمایه داری و شکل گیری انقلابات بورژوا - دمکراتیک. از

صفحه ۵

مسئله ملی و جنبش ملی در ایران، یکی از مسائل دیرینه و مهم اجتماعی است که سابقه آن به دهها سال قبل بر می گردد. مسئله ملی و جنبشهای ملی، البته تنها مختص به ایران هم نیست. در تمام جهان دوران پیروزی نهائی سرمایه داری بر فئودالیسم با جنبشهای ملی توأم بوده است. تجزیه و تحلیل مسئله ملی و ارائه یک راه حل و پاسخ اصولی و صحیح به این پدیده، مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، مستلزم شناخت از شرایط عینی و زمینه های پیدایش جنبش های ملی است و بنا براین مستلزم آن است که هنگام بررسی این مسئله، چارچوبهای تاریخی آن نیز مد نظر قرار

در این شماره

- ۳ مرگ در لرستان اتفاق افتاد
- ۷ اخباری از ایران
- ۷ گزیده ای از نامه های رسیده
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه ای از اطلاعیه ها و
- ۲ بیانیه های سازمان

پیام های رسیده به سازمان
به مناسبت بزرگداشت سیاهکل ۸

گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!

این تاکتیک هم

با شکست روبرو خواهد شد

مسلط در مقطعی کوتاه ناگزیر به عقب نشینی شد؛ چرا که در انتخابات ۲ خرداد ۶۶، اوضاع سیاسی به نفع جناح دیگر تغییر کرد و مخالفت بسیار وسیع مردم با رژیم جمهوری اسلامی موقعیت طرفداران خاتمی را به شدت تقویت نمود. اما شکست خاتمی و طرفداران سیاست وی از همان آغاز روشن بود. نه مردم به اصلاحات ناچیز در چارچوب رژیم موجود تن می‌دادند و نه جناح مسلط حاکمه که ابزارهای اصلی دستگاه دولتی را در اختیار داشت به جناح دیگر اجازه می‌داد که سیاست خود را پیش برد. شکست سیاست‌های خاتمی، نا رضایتی و اعتراض را در میان توده‌های مردم گسترده نرکرد. جنبش‌های اعتراضی کارگران و زحمتکشان و دانشجویان وسعت گرفت. وعده "اصلاحات" به تشکیل مجلس اصلاحات موکول شد. هنگامی که این مجلس نیز پیوسته بود خود را بر همگان آشکار ساخت؛ نه مانده توهامات هم فرو ریخت. وقتی که اوضاع به این شکل درآمد و شکست تاکتیک اصلاحات خاتمی بر همگان آشکار شد؛ جناح مسلط موقعیت را برای تعرضات خود مناسب یافت. نخست جناح رقیب خود را که در کنترل و مهار بحران با شکست روبرو شده بود؛ زیر فشار قرار داد و لاقبل بخش عمده گروه‌های موسوم به جبهه دوم خرداد را به تبعیت از خود وادار نمود. روزنامه‌ها و مجلات وابسته به این جناح را پی در پی تعطیل نمود. گروه‌های دانشجویی وابسته به آنها را با فشار به تمکین واداشت. با این همه؛ جنبش اعتراضی توده‌های مردم ادامه یافت و با وجود سرکوب، روز به روز گسترش یافت. در عمل هم نشان داده شد که رشد و اعتلاء مبارزات توده‌های مردم ایران محصول تضادها و اختلافات درونی هیئت حاکمه نیست؛ بلکه بالعکس این تضادها خود محصول فرعی جنبش‌های اعتراضی توده‌ای و بحران سیاسی موجود است. به همین علت نیز به رغم ساخت و پاخت جناح‌ها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر به ویژه در طول یک سال گذشته؛ تضادها و اختلافات درونی هیئت حاکمه همچنان به قوت خود باقی هستند. در هر حال؛ جناح مسلط هیئت حاکمه در تلاش برای مهار و کنترل بحران؛ سرکوب و اختناق را تشدید کرده است و بر این پندار است که بدین طریق می‌تواند اوضاع را تحت کنترل در آورد. در اینجاست که دیگر حتی فعالیت گروه‌های نیمه قانونی و انتقادات ناچیز آنها را نمی‌تواند تحمل کند. البته مسئله به همین جا نیز خاتمه نخواهد یافت. دیربیا زود برخی گروه‌ها که اکنون به نحوی در حاکمیت سهیم‌اند و به ویژه در مجلس ارتجاع حضور دارند؛ مشمول تصفیه خواهند شد. بحران عمیق‌تر از آن است که رژیم به برخی از افراد یا گروه‌هایی که هنوز از اصلاحات در چارچوب حکومت اسلامی سخن می‌گویند؛ اجازه دهد؛ حرفشان را بزنند. جناح مسلط هیئت حاکمه؛ البته با این اقدامات؛ تشدید اختناق و سرکوب جنبش‌های اعتراضی توده‌ای نمی‌تواند؛ بحران را حل کند و رژیم را نجات دهد. بلکه بالعکس با شفاف‌تر کردن صف بندی‌ها؛ توده مردم را در تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم راسخ‌تر خواهد کرد. وقتی که توده‌های مردمی که علیه رژیم و

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

در ۲۰ فروردین ماه اطلاعیه‌ای تحت عنوان «اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم» انتشار یافت. در این اطلاعیه آمده است که در ادامه دستگیری‌های اواخر اسفند ماه، در ۱۸ فروردین ۴۲ تن از اعضای گروه نهضت آزادی و دیگر جریان‌ها موسوم به ملی - مذهبی در یک یورش شبانه دستگیر شدند. اطلاعیه می‌افزاید که این اقدامات سرکوبگرانه دستگاه قضائی، ادامه سیاست‌های جمهوری اسلامی در تشدید اختناق و سرکوب است. اطلاعیه پس از بررسی علل واقعی این دستگیری‌ها، نتیجه می‌گیرد که هر چند اغلب دستگیر شدگان کسانی هستند که خود زمانی در حاکمیت سهیم بوده و در تحکیم پایه‌های رژیم جمهوری اسلامی نقش داشته‌اند، به رغم این که این افراد در چند سال اخیر در مورد بهبود اوضاع تحت حاکمیت جمهوری اسلامی توهم پراکنی کردند و با وجود این که اینان کسانی هستند که به هنگام قتل عام و به بند کشیدن دهها هزار تن از کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مخالف رژیم، مهر سکوت بر لب زدند، معهذاً از آنجائی که امروز به علت اعتقادات سیاسی‌شان دستگیر و زندانی شده‌اند، سازمان فدائیان (اقلیت) دستگیری آنها را محکوم می‌کند و خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی با هر عقیده و مرام می‌باشد.

«کشتار وحشیانه زنان توسط عوامل جمهوری اسلامی» عنوان اطلاعیه‌ایست که در تاریخ ۲۲ فروردین ماه انتشار یافته است. این اطلاعیه از قتل ۱۰ زن در مشهد که ۳ تن از آنها در روزهای ۱۴ و ۱۵ فروردین به قتل رسیده‌اند خبر می‌دهد. اطلاعیه با استناد به اظهارات مقامات پلیس و دستگاه قضائی رژیم که علت قتل‌ها را «مسائل منکراتی» اعلام نمودند واز مقتولان به عنوان «معتاد، منحرف، ولگرد و طردشده از خانواده» یاد کرده بودند، نتیجه می‌گیرد که با این اظهارات و موضع‌گیری‌ها کمترین تردیدی باقی نمی‌ماند که این کشتار وحشیانه توسط مزدوران رژیم صورت گرفته است. اطلاعیه می‌افزاید که اگر این زنان «معتاد، منحرف و ولگرد» هم بوده باشند، مسئول این فجایع، نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و رژیم سیاسی پاسدار آن است که میلیون‌ها تن از مردم را به فقر، گرسنگی، اعتیاد و فحشاء سوق داده‌اند و حالا همین قربانیان نظام موجود و سیاست‌های ارتجاعی رژیم، توسط عوامل خود رژیم بی‌رحمانه به قتل می‌رسند.

مجدداً در تاریخ ۲۲ فروردین ماه اطلاعیه دیگری با عنوان «گسترش اعتراضات و مبارزات کارگران» انتشار یافته است. در این اطلاعیه خبر از اعتراض ۴۰۰ تن از کارگران کفش شادان پور در مقابل ساختمان شرکت، و مقابله نیروهای پلیس با کارگران داده شده است. کارگران شادان پور ۹ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. در این اطلاعیه خیراز اعتراض ۵۰۰ کارگر دانشکده علوم پزشکی که به تازگی اخراج شده‌اند، داده شده است. اطلاعیه می‌افزاید که کارگران شرکت واحد نیز نسبت به اقدام شورای اسلامی اعتراض دارند که در اسفند ماه سال گذشته، یک روز حقوق کارگران را کسر نموده و به حساب خانه کارگر ریخته است. اطلاعیه در پایان خبر اعتراض ۴۰۰ تن از کارگران پارچه بافی فرصتیان شیراز را داده است که در روز ۲۲ فروردین در مقابل کارخانه تجمع نموده و به قطع بیمه بیکاری توسط دولت اعتراض دارند و خواهان تحقق کلیه مطالبات خود می‌باشند.

بیانیه سازمان تحت عنوان «اول ماه مه، تجلی قدرت متحد اردوی کار» انتشار یافت. بیانیه، نخست، اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران کشورهای سراسر جهان را به عموم کارگران و همه کسانی که از منافع، اهداف و آرمانهای طبقه کارگر دفاع می‌کنند، تبریک می‌گوید.

سپس به بررسی نبرد طبقاتی کارگران ایران در یک سال گذشته می‌پردازد و می‌گوید، شعله‌های مبارزه کارگری در ایران از هرسو زیانه می‌کشد، کارگران با مبارزات مداوم و پیگیر خود، دیکتاتوری عریان رژیم پاسدار سرمایه را به مصاف طلبیده‌اند. روز و هفته‌ای نمی‌گذرد که خبری از اعتصاب، گردهم آئی و تظاهرات، بستن خیابانها و جاده‌ها توسط کارگران منتشر نشود. در جریان این مبارزات، اتحاد و همبستگی، بیداری و آگاهی کارگران در مقیاس وسیعی رشد کرده است. مبارزات طبقه کارگر تدریجاً از حالت تدافعی به تعرضی تبدیل می‌شود. اکنون دیگر مبارزات کارگران محدود به مبارزه اقتصادی برای تحقق مطالبات صنفی نیست. کارگران با مبارزات خود عملاً رودرروی دولت قرار گرفته‌اند. در کشوری که آزادی سیاسی وجود ندارد و رژیم اختناق و سرکوب حاکم است، کارگران بدون توجه به قوانین و ممنوعیت‌های رژیم، اعتصاب برپا می‌کنند، دست به راهپیمائی و تظاهرات می‌زنند و گردهم آئی اعتراضی تشکیل می‌دهند. طبقه کارگر ایران در عمل برای کسب آزادیهای سیاسی در تلاش است. بیانیه سپس نتیجه می‌گیرد که سرنوشت تمام مطالبات آزادیخواهانه، دمکراتیک و رفاهی توده‌های مردم وابسته به رشد و اعتلاء مبارزات طبقه کارگر است. مبارزات کنونی کارگران از هم اکنون چشم انداز برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی را که ضربه‌ای خردکننده به رژیم وارد خواهد آورد، در برابر همگان قرار داده است. طبقه کارگر ایران در اول ماه مه قدرت متحد خود را در برابر مرتجعین به نمایش خواهد گذاشت.

سیاست‌های آن به پا خاسته‌اند؛ در عمل دیدند که وعده اصلاحات از بالا پوچ است؛ وقتی که در عمل دیدند؛ رژیم جمهوری اسلامی حتی گروه‌هایی امثال نهضت آزادی را هم نمی‌تواند تحمل کند. وقتی که در عمل دیدند گروه‌های رنکارنگی که وعده اصلاحات و بهبود اوضاع در چارچوب حکومت اسلامی را می‌دادند؛ به مردم دروغ گفتند و آنها را فریب دادند؛ بدین معناست که شرایط بیش از پیش برای سرنگونی رژیمی فراهم خواهد شد که تنها

با تکیه بر سرنیزه می‌خواهد موجودیت خود را حفظ کند. کارائی سرنیزه نیز دیگر مدت‌هاست به اتمام رسیده است. اگر این سیاست و تاکتیک کارائی داشت می‌توانست مردم را مرعوب کند؛ رژیم اکنون با یک بحران سیاسی عمیق روبرو نبود. وجود این بحران و تداوم آن بیانگر شکست تمام سیاست‌ها و تاکتیک‌های رژیم جمهوری اسلامی و هر دو جناح آن است.

گرامی باد

یاد رفیق رضا نصیری مقدم

رضا نصیری مقدم در سال ۱۳۴۲ در "واشیاں" از توابع لرستان چشم به جهان گشود. خانواده او از دوران پهلوی درگیر فعالیت سیاسی پیگیر علیه ستم و بی عدالتی بود. برادر بزرگش فدائی جانباخته رفیق حمید رضا نصیری (که در سال ۱۳۶۷ تیرباران شد) نقش جدی در آگاهی سیاسی افراد خانواده ایفا نمود. پس از او برادر دیگر، رفیق فدائی عبدالرضا نصیری، که در شکنجه گاه های جمهوری اسلامی اسطوره مقاومت بود، این امر را پیش برد. رفیق رضا نصیری از خصائل برجسته و انسانی و مبارزاتی خویشاوندش رفیق فدائی توکل اسدیان - که در زندان به آنش کشیده شد - نیز بهره فراوان برده بود. به طوری که در گفتگو با نزدیکانش می گفت: اگر برای دو برادر بزرگترم عبدالرضا و حمید رضا، اسکندر حکم معلم را داشت، برای من توکل اسدیان این نقش را ایفا کرد. یک چنین فضایی که سرشار از تعلیم، دانش، صداقت، مبارزه و دلاوری بود، از رضائسانی ساخت که به حق از بسیاری جهات زبانزد همه بود. در زندان بر آرمان انقلابی استوار ماند و پس از آزادی نیز بر آرمان خویش پای می فشرد. در صداقت و پایداری استعدادی شگرف داشت؛ چکیده خوبی و خصائل بارز مردم زحمتکش لرستان بود. سرانجام قلب شیفته و بزرگش همراه با قلب پرمهر همسرش، افسانه اسدیان و دخترانش سپیده و سحر در جاده "چمن جبر" برای همیشه از تپش باز ایستاد و تمامی رفقا و آشنایان خویش را در غمی بزرگ فرونشاند. همدردی کم نظیر مردم لرستان و شرکت چندین هزار نفره آنها در تشییع جنازه او نشان بارزی از محبوبیت و نفوذ او در میان مردم است؛ و از این رو که: فریادشان تموج شط حیات بود چو آدرخش در سخن خویش زیستند.

کشتار زندانیان سیاسی چپ در ترکیه

هستند دولتهائی که ادعای دفاع از حقوق بشر دارند؟ دولت هائی که ادعایشان در مورد حقوق بشر گوش فلک را کر کرده است و هرکجا که منافع اقتصادی و سیاسی شان ایجاب کند، به نام "آزادی" و "دفاع از حقوق انسانی" از بمب و گلوله هم استفاده می کنند، بر سر این وحشی گری هم پیمان سیاسی و نظامی شان سکوت کامل اختیار کرده اند. این سکوت بدون علت نیست. زندانیان سیاسی ترکیه که زیر فشار سرکوب و وحشی گری دولت ترکیه جان می بازند، کمونیست و چپ اند. از این روست که در اینجا ادعای دفاع از حقوق بشر رنگ می بازد و جهان سرمایه داری در این کشتار سهیم می شود. مسئول کشتار زندانیان سیاسی ترکیه تنها دولت این کشور نیست، بلکه تمام دولتهائی هستند که از رژیم ترکیه حمایت می کنند و در برابر این وحشی گری سکوت کرده اند.

مرگ در لرستان اتفاق افتاد

گرامی باد
یاد رفیق افسانه اسدیان

در شب بارانی ۱۹ اسفند ۱۳۷۹ در حالی که چند روزی بیشتر به عید نوروز باقی نمانده بود، یک سانحه دلخراش رانندگی به زندگی سراسر مبارزه افسانه اسدیان و رضا نصیری مقدم، و دو دختر نوجوانشان سحر و سپیده پایان داد. افسانه و رضا هر دو سالهائی از عمر خویش را در زندانهای جمهوری اسلامی در اسارت به سر بردند. در زندان مظهر مقاومت و در بیرون مظهر عشق به زندگی و صمیمیت بودند. ما این ضایعه دلخراش را به خانواده های اسدیان و نصیری مقدم و تمام دوستان و آشنایان افسانه و رضا صمیمانه تسلیت می گوئیم. یکی از بازماندگان افسانه و رضا در سوگ آنها مطلبی نوشته که می خوانید:

در فراز و فرود زندگی، هستند انسان های نیرومندی که هرگز دستخوش فراز و فرود نمی گردند. من در زندگی، افتخار بستگی و آشنائی با یکی از این جان های سترگ را داشته ام. نامش رضا بود، نسبتش با من "برادر" بود و دلش صفای جاودان.

چه انسانی! هرگز ندیده ام که صفا و صداقت، دلی نرم و آبشاری با اینچنین درهم آمیخته باشد. شادی بی گرانهاش شوق زندگی به قلب ها می دمید و او را همچون ستاره های درخشان می کرد. چهره خاکی اش، قلب پرمهرش، جهان دار و عاشق بود، در پایداری و صداقت، استعدادی شگرف داشت.

در هر جمعی شمع و پروانه توامان بود و در سخت ترین لحظات زندگی، صفا بخش و شادی آفرین. من هیچکس را ندیده ام که وفای جاودانه او را داشته باشد. می خندید، می خندید و چون سیاره ای سوزان می درخشید. رضا برادرم! من نمی دانستم که در آن نیمه شب، که در کابوس های دوران وطن همیشگی خویش خفته بودم، تو با مرگ پنجه درافکنده بودی! من نمی دانستم که در آن نیمه شب سیاه، همسر مهربانت "افسانه" مهر، با مرگ وعده ملاقات داشت! من نمی دانستم که "سپیده" و "سحر" پیش از دمیدن، در ظلمت خونین فرو می رفتند.

اینک تو از کف رفته ای! حضور مادی و جسمانی ات حذف شده، اما هستی و حضور معنویت همیشه در جای جای "واشیاں" در کوچه پسکوچه های لرستان، بر مالروها و شقایق هادر "سیاه چادرها"، از پنجره های کوچک دهقانان زحمتکش لر مضرانه می درخشد و اینگونه به زندگی جاودانه خویش ادامه می دهد.

۲۳ مارس ۲۰۰۱

از طرف یکی از بازماندگان

افسانه اسدیان در سال ۱۳۴۶ در خانواده ای متولد شد که تقریباً تمامی اعضای آن به نحوی درگیر مبارزه جدی علیه بی عدالتی و ستم بودند. او تحت تاثیر جو شدیداً سیاسی این خانواده به آگاهی دست یافت.

زندگی برادر بزرگ ترش فدائی خلق رفیق سیامک اسدیان (اسکندر) و دیگر اعضای خانواده و فامیل، توکل اسدیان، نورالله اسدیان، هوشنگ اعظمی لرستانی و... که از رهبران با سابقه و کادرهای جنبش فدائی و دیگر سازمانهای انقلابی بودند، تاثیری عمیق بر رفتار و منش انسانی او گذاشت. او در سال ۱۳۶۰ هنگامی که ۱۳ سال بیشتر نداشت به همراه دهها رفیق دیگر که در مراسم چهلم رفیق سیامک اسدیان شرکت کرده بودند دستگیر شد، و مدتی طولانی بدون حکم، در زندان بسر برد.

پس از آزادی از زندان گرچه دیگر شرایط مناسبی برای رشد و ادامه مبارزه نداشت، اما با آگاهی و شناخت راه و منش و اهداف انقلابی و انسانی برادرانش و پیگیری آن در زندگی روزمره چنان نفوذی در میان مردم و اطرافیان خود داشت و چنان تاثیری بر آنها برجای گذاشته بود که کسی را نمی توان یافت که افسانه را بشناسد و از عاطفه مهر، صداقت و فداکاری او چیزی نگوید.

قلب پر مهر و جان شیفته او سرانجام در ۱۹ اسفند ماه هنگامیکه به همراه همسرش رفیق رضا نصیری مقدم و دخترانش سپیده و سحر از پل دختر عازم خرم آباد بود، در جاده "چمن جبر" برای همیشه از تپش باز ایستاد و تمامی دوستان و آشنایانش را در غمی بزرگ فرونشاند.

مرگ سحر و سپیده قلب های کوچک دوستان و همشاگردیانشان را به درد آورد. روز تشییع جنازه، دبیرستان فرزانتگان (تیزهوشان) که سحر دانش آموز آن بود، و مدرسه راهنمائی با یاد سپیده، هردو تعطیل شدند. دانش آموزان با در دست داشتن عکسهائی از فروغ فرخزاد، در اشاره به سحر، شاعر کوچک فریاد می زدند: سحر، فروغ، سحر، فروغ.

تشییع جنازه چندین هزار نفره این عزیزان نه تنها نشانه بارز محبوبیت و نفوذ آنان در میان مردم منطقه است، بلکه همچنین بیانگر احترام و سپاس مردم لرستان به خانواده های آنان است. خانواده هائی که در مبارزه ای طولانی، پیگیر و آشتی ناپذیر علیه رژیم های شاه و جمهوری اسلامی، بیش از ۲۰ تن از عزیزان خود را از دست دادند، دهها تن از اعضای آنها دستگیر و شکنجه شدند و سالهای طولانی در زندان بسر بردند و نقش خود را در پاشیدن بذر آگاهی و مبارزه کمونیستی ایفا نمودند.



* اعتصاب فلز کاران رومانی

روز دوم آوریل، نزدیک به ۳ هزار نفر از فلز کاران کارخانه CSR در شهر Rista دست از کار کشیده و در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی زدند. هنوز یک سالی از فروش این کارخانه به سرمایه داران آمریکایی نگذشته که کارگران با خبر شدند صاحب کارخانه جدید علاوه بر دستمزدهای معوقه آنان، میلیونها دلار هم به دولت رومانی بدهکار است. کارگران خشمگین در راه پیمانی روز دوم آوریل خود شعار "مرگ بر آمریکا سر داده و پس از تجمع در مقابل ساختمان استانداری این شهر، از مقامات مسئول خواستند که تمام پولهای دریافتی از سرمایه داران آمریکایی را صرف بهبود و نوسازی این کارخانه نموده و این کارخانه را به کارگران واگذار نمایند.

* اعتصاب میلیونها نفر در ترکیه

وضعیت اقتصادی ترکیه هر روز وخیم تر می شود، تورم و فلاکت اقتصادی، زندگی میلیون ها نفر را تهدید نموده و ارزش پول این کشور تنها در دو ماه اخیر در مقایسه با دلار آمریکا حدود ۴۵٪ کاهش یافته است. چاره دولت ائتلافی این کشور، که در آستانه ورشکستگی و سقوط قرار دارد، تنها استقراض خارجی و گردن گزاردن به سیاست های اقتصادی دیکته شده از سوی موسسات مالی امپریال لیستی نظیر صندوق بین المللی پول بوده است. اواسط ماه دسامبر سال گذشته، سرانجام صندوق بین المللی پول با پرداخت وامی به مبلغ ۱۱ میلیارد دلار موافقت نمود، اما پرداخت این وام را به شناورسازی تام و تمام لیر ترکیه و گسترش همه جانبه خصوصی سازیها مشروط و منوط نمود. در اواسط ماه فوریه بانک مرکزی ترکیه دست به شناور سازی نرخ ارز این کشور زد که موجب شد در طول تنها یک روز ارزش لیر ترکیه نسبت به دلار آمریکا ۳۳٪ کاهش یابد. این اقدام دولت سرمایه داران ترکیه باعث افزایش تورم و کاهش بازهم بیشتر قدرت خرید ناچیز کارگران و زحمتکشان این کشور گردید. اما این تنها تعرض آشکار به سطح زندگی میلیونها نفر نبود. شرط دیگر صندوق بین المللی پول، گسترش خصوصی سازیها، درازای پرداخت وام ۱۱ میلیارد دلاری این کشور بود. با طرح خصوصی سازی بخش وسیعی از خدمات دولتی، که اغلب شامل حال خانواده های کارگری می شود، به یک باره اعلام شد که تا آینده نزدیک حدود ۵۰۰ هزار نفر از کار اخراج شده و به صفوف بیکاران خواهند پیوست. انتشار این خبر خشم توده های کارگر و زحمتکش این کشور را برانگیخت. روز ۳۱ مارس میلیونها کارگر، دانشجو و جوان بیکار در ۵ شهر ترکیه دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. در این روز کارگران دست از کار کشیده، دانشجویان کلاسها را تعطیل نموده و به اتفاق دهها هزار جوان بیکار اعتراض و خشم خود را از سیاستهای اقتصادی دولت به نمایش گذاشتند. پس از این اعتصاب عظیم

دولت ترکیه به فوریت برپائی هرگونه حرکت اعتراضی را مطلقا ممنوع اعلام نموده و کارگران و دانشجویان را تهدید نمود که در صورت ترک محل کار و کلاسهای خود، بلافاصله اخراج خواهند شد. به رغم تمام این تهدیدات، روز ۱۱ آوریل مجددا و این بار خیابانهای ۱۱ شهر ترکیه به صحنه برپائی راهپیمایی و تظاهرات میلیون ها نفر تبدیل شد. در این روز میلیونها نفر به خیابانها ریخته و با ماموران سرکوبگر پلیس به زد و خورد پرداختند. در این روز دهها نفر زخمی و صدها نفر توسط ماموران پلیس دستگیر شدند. در این روز خواسته های کارگران در سندی تحت عنوان "پلتفرم کار" که از سوی ۱۵ اتحادیه کارگری تدوین شده، انتشار یافت که از جمله می توان به خواست کارگران مبنی بر استعفا فوری دولت این کشور و عدم پرداخت بدهی های دولت به صندوق بین المللی اشاره کرد.

* شورش هزاران جوان در شهر سین سینای آمریکا

سحرگاه روز ۷ آوریل، یک جوان ۱۹ ساله سیاهپوست به نام Thimoty Thomsen که به فریاد "ایست" ماموران پلیس تا دندان مسلح شهر سین سینای بی اعتنائی کرده بود، مورد هدف گلوله قرار گرفت و در راه انتقال به بیمارستان جان سپرد. "جرم" وی تنها عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی !!! این شهر بود. Thimoty جوان، پانزدهمین قربانی خشونت نژادپرستانه پلیس شهر سین سینا در ۵ سال اخیر بود و قتل وی جرقه ای شد بر خرمن خشم فروخورده هزاران جوان رنگین پوست این شهر که هر روز سرکوبگری پلیس را با پوست و گوشت خود لمس می کنند. صبح روز بعد، هزاران نفر از جوانان سفید و رنگین پوست این شهر در میدان مرکزی شهر تجمع نموده و خود را برای راهپیمایی به سمت ساختمان شورای شهر آماده نمودند. کمی پس از حرکت تظاهر کنندگان، پورش وحشیانه جوانان خشمگین که آماده پاسخگویی به حملات پلیس بودند به فوریت دست به مقابله زده و با برپائی سنگر، خیابانهای شهر سین سینا را به میدان مبارزه با پلیس سرکوبگر و نژاد پرست این شهر تبدیل نمودند. جوانان خشمگین در این روز به بانکها و مراکز دولتی حمله برده و این مراکز ستم و سرکوب را به آتش کشیدند. پس از مشاهده مبارزه جوی تظاهر کنندگان، مقامات امنیتی شهر بلافاصله اعلام حکومت نظامی نموده و عبور و مرور وسائط نقلیه و تردد اهالی شهر را در ساعاتی از روز کاملا ممنوع اعلام نمودند. برغم تمام این تشبثات، اعتراض جوانان در چند روز بعد از آن نیز ادامه یافت. از نکات قابل توجه، حمایت همه جانبه مردم این شهر از مبارزات و اعتراضات جوانان بود. مردم شهر درهای خانه های خود را به روی تظاهر کنندگان باز گذاشته و با تمام توان خود به یاری آنان شتافتند. درگیری و زد و خورد جوانان با ماموران پلیس بار دیگر به وضوح نشان داد که مجهزترین ماشین سرکوب امپریالیستها نیز در مواجهه با عزم و اراده توده ها، به سرعت درهم شکسته و پیروزی نهائی از آن توده های مردم خواهد بود. این واقعیتی است که جوانان معترض شهر سین سینا در طول مبارزات چند روزه خود به آن واقف شدند.

نشست مشترک رهبری

حزب کمونیست ایران

و سازمان فدائیان (اقلیت)

در تاریخ ۸ آوریل ۲۰۰۱ اجلاس مشترکی در سطح رهبری حزب کمونیست ایران و سازمان فدائیان (اقلیت) تشکیل گردید. دستور کار این اجلاس، ارزیابی دو سازمان از اوضاع سیاسی حاکم بر ایران، وظایف جنبش کمونیستی در قبال تحول اوضاع، تحولات درونی حزب کمونیست ایران و همکاریهای دوسازمان بود. در ارزیابی اوضاع سیاسی ایران، هر دو سازمان برای نکته تاکید داشتند که جامعه ایران با یک بحران سیاسی همه جانبه و عمیق روبروست. گسترش و اعتلا روزافزون مبارزات کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و ملیت های تحت ستم، شکست سیاست ها و تاکتیکهای جناحهای هیئت حاکمه و شکاف عمیق در میان هیئت حاکمه، حاکی از زرف شدن روز افزون این بحران سیاسی است. در حالی که بحران بحران عمیق تر میشود و چشم انداز اعتلا و گسترش جنبش های توده ای در مقیاس وسیع تری وجود دارد، بورژوازی داخلی و بین المللی، در تلاش برای شکل دادن به آلترناتیوهای بورژوازی برای مهار جنبش اند. در چنین شرایطی وظیفه ای سنگین در برابر جنبش کمونیستی ایران قرار دارد.

امروز بیش از هر وقت دیگر وظیفه جریان چپ و رادیکال کمونیست، مداخله در جنبش کارگری و انقلابی است. اما پراکندگی وسیعی که در صفوف کمونیست ها وجود دارد، انجام این وظیفه را دشوار ساخته است. با این همه نمی توان به انتظار نشست و نظاره گر اوضاع بود بلکه ضروری است منطبق با شرایط کنونی برای ایجاد یک اتحاد سیاسی به منظور شکل دادن به یک آلترناتیو سیاسی که از منافع کارگران و مطالبات عموم توده های مردم دفاع می کند، تلاش نمود. این وظیفه مبرمی است که امروز در برابر سازمانها و فعالین چپ و کمونیست قرار گرفته است.

در راستای تحقق این وظیفه، هر دو سازمان آمادگی خود را در مورد گسترش اتحاد عمل های موردی و اتحاد عمل های پایدار اعلام نموده و توافق کردند در جلساتی که به منظور اتحاد عمل های پایدار برگزار می گردد، فعالانه شرکت نمایند.

طبقه کارگر و مسئله ملی

مشخصه های اصلی این دوره ' توسعه بازارها و جایگزینی مناسبات تولیدکالائی به جای شیوه تولید و مناسبات کهنه شده فئودالی است. جنبش های ملی بر متن یک چنین شرایطی آغاز به پیدایش کردند و در جریان رشد و توسعه سرمایه داری در برابر افول و ورشکستگی فئودالیسم، این جنبشها رشد کردند. پایه اقتصادی این جنبش ها را در واقع این موضوع تشکیل می دهد که برای پیروزی کامل تولید کالائی، بازار داخلی باید به دست بورژوازی تسخیر و اتحاد دولتی سرزمین هائی که اهالی آنها به زبان واحدی صحبت می کنند، عملی گردد و در عین حال هر نوع مانعی از سر راه تکامل این زبان برداشته شود. زبان به مثابه مهمترین وسیله آمیزش بشری و تکامل بلا مانع آن، یکی از مهم ترین شرایط مبادله بازرگانی واقعا " آزاد" و وسیع متناسب با سرمایه داری است.

بنابراین اشتیاق هر نوع جنبش ملی عبارت است از تشکیل دولت های ملی که قادر باشد این نیاز سرمایه داری را برآورده سازد.

گرایش دیگری که قانون سرمایه داری نیز محسوب می شود، تکامل دم افزون مناسبات بین المللی و فرو ریختن سدهای ملی به عبارت دیگر ادغام سرمایه ها و ایجاد وحدت بین المللی سرمایه است. دوره ای که به دنبال دوره پیشین می آید، مبین این واقعیت است که سرمایه داری تکامل یافته، به حد بلوغ رسیده و پیروسه تشکیل دولت های سرمایه داری کامل شده است. صفت مشخصه این دوره که کاملاً از دوره پیشین متمایز است، حضور پرولتاریا به عنوان یک طبقه اجتماعی قدرتمند در عرصه بین المللی و تشدید تضادهای این طبقه با بورژوازی است که برای تعیین تکلیف نهائی در برابر آن صف آرایی کرده است. تحت تاثیر پیروسه تکاملی سرمایه، ملل مختلف بیش از پیش به هم نزدیک شده اند و با جهانی شدن سرمایه، تضادهای آنتاگونیستی میان سرمایه بین المللی و جنبش جهانی کارگری از درجه اهمیت بسیار بالائی برخوردار شده است. در این باب باید به دو نکته اشاره کرد. یکی این که پیدایش انحصارات امپریالیستی که ثمره توسعه و رشد اجتناب ناپذیر سرمایه داری و تسلط امپریالیستی بر جهان است، نه تنها به ستم ملی پایان نداده بلکه به میزان زیادی آن را تشدید نیز کرده است چرا که امپریالیسم به لحاظ سیاسی عبارت است از بسط ارتجاع و نفی آزادی و دموکراسی و عملکرد آن در جهت نفی استقلال ملت هاست. دوم این که تشدید و تقویت ستمگری ملی که ناشی از الیکارشی مالی است، رقابت آزاد بورژوازی را بر می اندازد و بورژوازی در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم که به مثابه پایگاه انحصارات بین المللی عمل می کند، جنبه های ترقی خواهی خود را از دست می دهد و در پاسداری از ارتجاع گرائی امپریالیسم، سهیم و شریک می گردد. بنابراین اگر بهترین پاسخ و راه حل ممکنه مسئله ملی در چارچوب سرمایه داری (تا آنجا که این مسئله در این چارچوب قابل حل است)

یعنی زمانی که هنوز بورژوازی در مراحل اولیه رشد و توسعه است و به فئودالیسم اعلام جنگ می دهد، انقلابات بورژوا - دمکراتیک، سرنگونی حکومت های مطلقه واز میان برداشتن بقایای نظام ارباب رعیتی و دموکراسی نمودن کل کشور است، اما در دوران بعدی که طبقه کارگر بر تارک آن نشسته است، عصر انقلابات بورژوا - دمکراتیک پشت سر نهاده شده است و انقلابات کارگری و سوسیالیستی به مسئله روز تبدیل می شود، مسئله ملی نیز با این انقلابات گره می خورد و حل قطعی آن نیز در گرو انقلابات کارگری و کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگراست. طبقه کارگر دشمن آشتی ناپذیر سرمایه که عامل همه و هرگونه تبعیض و ستم و از جمله تبعیض و ستمگری ملی است، یگانه مدافع برابری واقعی ملل است. اگر در دوره گذشته بورژوازی همراه زحمتکشان در راه آزادی و برابری حقوق ملی و خواسته های دمکراتیک ایفای نقش می نمود، در دوره بعدی که با آغاز گندیدگی سرمایه داری قرین است، بورژوازی از ترس کارگران در پی اتحاد با مرتجعین، برمی آید و از ستمگری و حقوق نابرابر در میان ملتها به دفاع برمی خیزد و سعی می کند با طرح شعارهای ناسیونالیستی، کارگران را به فساد بکشاند. لذا این طبقه کارگراست که با دفاع از خواسته های دمکراتیک ملت های تحت ستم و استقرار دموکراسی پیگیر مناسب ترین و شایسته ترین پاسخ را به مسئله ملی می دهد. روشن است که میان جنبش های ملی و مسئله ملی به عنوان یک مسئله حل نشده و باقی مانده از نظامات گذشته با جنبش های ناسیونالیستی افراطی و ارتجاعی که عقب گرد و بازگشتی به گذشته محسوب می گردند، بایستی فرق قائل شد. در هر حال برپایه چنین تحلیل و ملاحظه ای است که کمونیستها با توجه به شرایط مشخص و تاریخی کشور خود می بایستی به امر ملی و مسائل مربوط به آن پاسخ مشخص بدهند. ما در بالا به دو دوره متمایز از یکدیگر از نقطه نظر مسئله ملی اشاره کردیم. اکنون می بایستی اضافه کنیم که دوره های یاد شده، به صورت خطی از یکدیگر جدا نمی شوند و دیواری آن دو را از هم جدا نمی کند بلکه توسط حلقه های متعدد انتقالی به هم دیگر مربوط می شوند. از طرف دیگر کشورهای مختلف از لحاظ سرعت تکاملی و نیروهای مولده متوازن و یکسان نیستند. هنگام بررسی مسئله ملی و جنبش های ملی، این شرایط عمومی تاریخی در یک کشور معین و مشخص اکیدا می بایستی مورد توجه قرار بگیرد در غیر این صورت هر پاسخ و یا راه حلی که برای مسئله ملی ارائه شود نه با واقعیات تاریخی و عینی و نیز شرایط مشخص همخوانی دارد و نه به طریق اولی می تواند بیانگر موضع طبقه کارگر در قبال مسئله ملی باشد.

ستمگری ملی و بورژوازی ایران

ایران زمانی که سرمایه داری جهانی روند تکامل خود را پشت سر گذاشته و به امپریالیسم

لیسم بدل گشته بود، یعنی در آستانه قرن بیستم (۱۸۸۱) وارد مدار بازار جهانی سرمایه شد. صدور سرمایه مالی و سلطه جابرانه استعماری امپریالیسم، پیروسه رشد و انباشت سرمایه را در ایران کند نمود و به عقب افتادگی کشور دامن زد. بورژوازی نو - خاسته ایران در نخستین تلاش های خود برای احراز هویت مستقل، با سلطه فلج کننده استعمار امپریالیستی مواجه گردید حتی پیش از آنکه بتواند به حداقلی از رشد و تکامل صنعتی دست یابد. این بورژوازی که از آغاز حیات خویش ریشه در تجارت و ربا خواری و پیوندهای نزدیک و کم و بیش طولانی و استواری با روحانیت داشت، در مبارزه علیه فئودالیسم و دفاع از آزادی های سیاسی بسیار ناپیگیرتر از بورژوازی در کشورهای غربی بود و هیچگاه فرضا مخالفت جدی با ارتجاع و اوها م مذهبی نداشت و از ارتجاع گرائی امپریالیسم میرا نبود. بورژوازی ایران پیش از آنکه در ستیز با فئودالیسم و مناسبات تولیدی کهنه و ایدئولوژی ملازم با آن ابراز وجود نماید، در منازعه با نیروهای خارجی که استقلالش را سلب نموده بودند، خود را بازیافت. فشار سرمایه های امپریالیستی و موانع رشد سرمایه صنعتی ازسوی و ارتباط دیرینه میان سرمایه تجاری - رباخوار و مالکیت ارضی ازسوی دیگر منجر به سازش مناسبات کهن و مناسبات تاریخی نوین و ادامه حیات آنها در کنار هم دیگر شد. انقلاب بورژوا - دمکراتیک مشروطه نیز قادر نگشت موانعی را که مناسبات منسوخ فئودالی بر سر راه تحول اقتصادی، اجتماعی پدید آورده بود، از سر راه بردارد و در یک کلام، سلطه استعماری امپریالیسم مسیر تکامل " آزاد" سرمایه داری را در ایران سد نمود.

آخرین تلاش نمایندگان بورژوازی ملی در اواخر دهه بیست جهت برانداختن سلطه امپریالیسم نیز با شکست و ناکامی روبرو گردید و نقش و رسالت بورژوازی در تحولات دمکراتیک ایران برای همیشه رخت از میان بر بست. تحولات دهه چهل که با انجام رفرم ارضی و صدور گسترده سرمایه های مالی امپریالیستی آغاز گردید، شیوه تولید سرمایه داری که وجه مشخصه آن تولید کالائی مبتنی بر روابط تولید سرمایه داری است، بر ایران مسلط گردید. اصلاحات از بالا، راه حلی آرام و منطبق بر نیاز و خواست امپریالیسم بود. تحولات تدریجی و راه "پروسی" تحول ارضی در ایران، تحولی بسیار کند با دردناک ترین عوارض برای پرولتاریا و دهقانان همراه بود. این شیوه تحول ارضی و رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالائی و جایگزینی نظامها، موجب آن گشت که بسیاری از مطالبات دمکراتیک بی پاسخ و پابرجا بمانند.

پیروسه تکوین و توسعه سرمایه داری و رشد و تکامل صنعت و مناسبات تولید کالائی در مناطق مختلف ایران و در میان اهالی ملل مختلف ایران یک سان و یک نواخت نبود. با تثبیت بورژوازی به عنوان یک طبقه و تشکیل دولت مرکزی نه تنها مطالبات دمکراتیک ملیت ها برآورده نشد و مسئله ملی پاسخ مناسبی نگرفت، بلکه اجحافات و نابرابریهای اجتماعی و تبعیض و ستمگری ملی تشدید گردید و ملیت

طبقه کارگر و مسئله ملی

های مختلف ایران و بیش از همه اهالی آذر - بایجان و کردستان در معرض این ستم بودند. بورژوازی ایران به مثابه پایگاه اجتماعی امپریالیسم که دولت مرکزی پاسدار منافع آن بود، پاسدار نابرابریها و امتیازات طبقاتی و اجتماعی، نافی حقوق و آزادیهای دموکراتیک و تشدید کننده تبعیض و ستم ملی بوده است. تاجائی که به کردستان ایران مربوط می شود، اهالی زحمتکش و تحت ستم این منطقه، همواره در پی کسب حقوق دموکراتیک خود و رفع این ستم برآمده اند. جنبش های آزادی خواهانه توده ای برای رفع ستم ملی گاه در سطح بسیار گسترده ای نیز جریان داشته است تا جائی که در سال ۱۳۲۴ این جنبش ها به شکل گیری حکومت "خودمختار" در این منطقه نیز منجر گردید. این تلاش و جنبش آزادی - خواهانه اهالی کردستان (و نیز آذربایجان) هرچند از جانب حکومت مرکزی با خشونت تمام سرکوب و به خون کشیده شد، اما از آنجا که خواست های دموکراتیک آن تحقق نیافت، در اشکال مختلف با شدت و ضعف همچنان ادامه یافت. با سقوط رژیم سلطنتی و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تبعیض و ستم ملی بیش از پیش تشدید شد. جمهوری اسلامی نه تنها به خواست و حقوق ملت ها از جمله ملت کرد واقعی نهاد، بلکه از همان آغاز روی کار آمدنش به سرکوب خشن و عنان گسیخته ملت کرد و سایر ملت ها پرداخت و از آنجا که یک رژیم مذهبی و پاسدار انواع تبعیضات منجمله تبعیضات دینی و مذهبی است، برابری ملی افزوده است. معهذ باید اشاره و تاکید نمود که با این سرکوبها صورت مسئله پاک نشده است و جنبش آزادی خواهانه مردم کردستان ولو به اشکال دیگر و با ضعف تری به حیات خود ادامه داده است. هرچند که باید اعتراف نمود ضربات بسیار سخت و سنگینی را نیز متحمل شده است.

تجربه جنبشهای ملی بطور کلی و بالاخص تجربه جنبش های توده ای کردستان این واقعیت را ثابت می کند که مسئله ملی و خواست ملی به رغم آنکه یک مطالبه بورژوا دموکراتیک است، اما بورژوازی از آنجا که خود پاسدار امتیازات و نابرابری های طبقاتی و اجتماعی است، نه می خواهد و نه می تواند این مسئله را به نفع اهالی کردستان حل و فصل کند. این خصوصیت محدود به بورژوازی حاکم هم نمی شود، بلکه کل بورژوازی و لایه های مختلف آن را نیز دربر می گیرد. مبارزات چندین ساله و طولانی مدت مردم زحمتکش کردستان همچنین بر این حقیقت صحنه می گذارد که این مبارزات بدون پیوند تنگاتنگ و ارگانیک با مبارزه سایر کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران و بدون پیوند با انقلاب سراسری برای تعیین تکلیف نهائی با نظام حاکم، حل نخواهد شد. حل مسئله ملی مانند بسیاری از تکالیف دموکراتیک دیگر، بر عهده طبقه کارگر ایران است. فقط طبقه کارگر است که از موضع نفی و مخالفت با هرگونه امتیاز طبقاتی با تاکید بر اتحاد کارگران ملل مختلف، به پیگیری ترین نحوی از برابری حقوق

ملت ها دفاع می کند. طبقه کارگر در همان حال که مخالف سرسخت هرگونه امتیاز ملی است، از حق تعیین سرنوشت و از حق جدائی ملل و تشکیل دولت های مستقل دفاع می کند. بورژوازی ملت ستمگر چه در نظام سلطنتی و چه در جمهوری اسلامی، در پوشش الفاظی چون خطر "تجزیه" و "از هم پاشی کشور" اما در واقع برای دفاع از منافع ناسیونال - شوونیستی و امتیازات دولتی بورژوازی فارس، با حق مردم کردستان در تعیین سرنوشت خود مخالفت کرده اند، حقوق مردم کردستان را نفی و پایمال نموده و به بهانه حفظ "امنیت" و "تمامیت ارضی" مبارزات مردم را سرکوب و هریک در زمان خود "دمکراسی" بورژوازی را به اجرا گذاشته اند. بورژوازی اعم از این که در چه رنگ و لباسی و متعلق به چه ملیتی باشد، سرسختانه مخالف آن است که کارگر و زحمتکش خودش سرنوشت خود و اداره امور کشور را به دست گیرد. فقط دمکراسی پیگیر یعنی دمکراسی شورائی است که بنیادش بر دخالت مستقیم توده های کارگر و زحمتکش در سرنوشت خود و در اداره امور کشور نهاده شده است و آحاد مردم زحمتکش در سراسر ایران منجمله در کردستان، با متشکل شدن در شوراها اداره امور را به دست می گیرند و به اعمال حاکمیت می پردازند. ما مصرا نه از حق ملت کرد برای جدائی و تشکیل دولت مستقل دفاع می کنیم. ما شدیداً مخالف آن هستیم که ملت ستمدیده کردستان قهراً و اجباراً در چارچوب دولت مرکزی حفظ شود. کسی که چنین اعتقادی داشته باشد به حقوق مردم این منطقه برای تشکیل یک دولت مستقل تجاوز نموده و حق ملل در تعیین سرنوشت را نقض نموده است. ما در عین حال تصریح می کنیم که منافع کارگران و زحمتکشان ملل ساکن ایران در اینست که مشترکاً یک دولت واحد تشکیل دهند. معهذ این اتحاد نه اجباری بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود. منافع طبقه کارگر و مبارزه وی برضد سرمایه داری ایجاب می کند که کارگران کلیه ملل همبستگی کامل و اتحاد طبقاتی خود را هرچه فشرده تر حفظ نموده و به سیاستهای ناسیونالیستی اهر ملیتی که باشد جواب دندان شکن بدهند. بورژوازی ولو بورژوازی ملت تحت ستم دنبال امتیازات و بند و بست با بورژوازی ملت های دیگر به زیان پرولتاریاست. البته تا آنجا که بورژوازی ملت کرد علیه ستمگری و علیه بورژوازی ملت ستمگر مبارزه کند، طبقه کارگر نیز از این مبارزه طرفداری می کند چرا که طبقه کارگر پیگیرترین دشمن ستمگری است. معهذ

مبارزه علیه اجحافات و امتیازات ملت ستمگر، در تحت هیچ شرایطی نباید به اغماض و چشم پوشی نسبت به کوشش های که از طرف بورژوازی ملت ستمکش برای تحصیل امتیازات به عمل می آورد منجر شود. طبقه کارگر خواهان الغاء تمام این امتیازات است. برای کارگر مزدور علی السویه است که استعمار کننده او بورژوازی فارس باشد که بر بورژوازی کرد رجحان دارد و یا بورژوازی کرد! کوچک ترین پشتیبانی پرولتاریائی یک ملت از امتیازات بورژوازی "ملی" یا "خودی" ناگزیر موجب بروز عدم اعتماد در پرولتاریائی ملت دیگر خواهد شد و همبستگی و اتحاد طبقاتی کارگران را تضعیف خواهد کرد و رشته اتحاد آنها را مطابق دلخواه بورژوازی از هم خواهد گسست. پرولتاریا قبل از هر چیز به اتحاد طبقاتی و تحکیم طبقه خویش برضد بورژوازی می اندیشد و مسئله را از زاویه لغو هرگونه امتیاز و تربیت توده ها با روح دمکراسی شورائی و سوسیالیسم نگاه می کند. ما همچنین خواهان لغو هرگونه زبان رسمی اجباری، به رسمیت شناخته شدن حق اهالی کردستان به آموزش زبان مادری در مدارس و استفاده از آن در نهادهای دولتی و مجامع عمومی هستیم. ما در همان حال که اصل حق تعیین سرنوشت ملت کرد و آزادی جدا شدن کردستان را تبلیغ و از آن مصرا نه دفاع می کنیم، منافع مجموع ملت ها و آزادی و برابری حقوق همه آنها را ماوراء آن قرار می دهیم. کردستان نمی تواند بطور واقعی آزاد و خود مختار باشد وقتی که کارگران و زحمتکشان سایر مناطق ایران هنوز در بند و اسارت نظام حاکم هستند. کارگران و زحمتکشان سایر مناطق ایران نیز آزاد نیستند وقتی که هنوز مردم کردستان تحت فشار و ستم قرار داشته باشند و حقوق دموکراتیک آنها پایمال شود. انقلاب کارگری و استقرار دمکراسی شورائی در سراسر ایران، همانا یگانه اهرمی است که می تواند به شایسته ترین نحوی به خواست ها و مطالبات کلیه ملل از جمله ملت ستمکشیده کرد جامه عمل ببوشاند و مناسب ترین راه حل مسئله ملی را ارائه دهد. در دمکراسی شورائی تمام ملت های که آزادانه و داوطلبانه کشور را تشکیل می دهند، از خودمختاری وسیع منطقه ای برخوردار خواهند بود. امروز بعد از دهها سال مبارزه و تجربه جنبش آزادیخواهی در کردستان باید این حقیقت مسلم بر همگان روشن شده باشد که بدون دمکراسی پرولتاریائی، بدون دمکراسی شورائی نه یک کردستان واقعا خود مختار قابل تصور است و نه یک کردستان مستقل!

کمک های مالی رسیده

۵۰ کرون دانمارک	۲۰۰۰-۱۲-۲۹	دانمارک
۵۰ کرون دانمارک	۲۰۰۱-۰۱-۳۱	دانمارک
۵۰ کرون دانمارک	۲۰۰۱-۰۲-۲۸	دانمارک
۵۰ کرون دانمارک	۲۰۰۱-۰۳-۳۰	دانمارک
۲۰۰ کرون دانمارک	Skive	دانمارک

۶۵ فلورن

م. ش

هلند

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران کارخانه فرصتیان

روز بیست و دو فروردین متجاوز از ۴۰۰ تن از کارگران کارخانه پارچه‌بافی فرصتیان شیراز در مقابل این کارخانه در خیابان برق، اجتماع نمودند و خواهان تحقق مطالبات خود شدند. کارگران کارخانه فرصتیان در گذشته نیز در چندین مورد دست به اعتراضات مشابهی زده بودند. اکنون بیش از سه سال است که کارگران این کارخانه بر سر مسئله عدم پرداخت حقوق و مزایا از سوی کارفرما و ایستادگی در مقابل اخراج، درگیر مبارزه با کارفرما و دولت هستند. کارفرمای این کارخانه از سال ۷۷ فعالیت آن را متوقف ساخت و کارگران را بلا تکلیف رها کرد. پس از مبارزات مستمر کارگران، دولت متقبل شد مبلغی به عنوان بیمه بیکاری به کارگران بپردازد. اما اکنون می‌خواهند همین مبلغ ناچیز را نیز حذف کنند. کارگران در این تجمع اعتراضی خود، نسبت به مسئله اخراج و قطع بیمه بیکاری اعتراض داشتند. آنها اعلام نمودند که تا تحقق مطالبات شان به مبارزه ادامه خواهند داد.

* اعتراض کارگران شرکت واحد

در اسفند سال گذشته حقوق یک روز بیش از ۱۰ هزار تن از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بدون اطلاع خود کارگران توسط شورای اسلامی و مدیریت شرکت واحد کسر گردید و به حساب خانه کارگر واریز شد. این اقدام منجر به اعتراض کارگران شرکت واحد گردید. آنها می‌گویند، شورای اسلامی که عامل کارفرماست، دهها میلیون تومان از حاصل دسترنج کارگران را در زدویند با کارفرما برداشت کرده و به حساب خانه کارگر ریخته است. شورای اسلامی همچنین کارگران را تهدید نمود که چنانچه پیگیر قضیه شوند، آنها را با تأیید مدیریت اخراج خواهد کرد. اعتراض کارگران منجر به واکنش خانه کارگر گردید. محبوب دبیرکل خانه کارگر ادعا کرد که این پول به کارگران ۸ کارخانه و موسسه از جمله علاء الدین و جامکو پرداخت شده است. او کوشید بدین طریق در میان کارگران نیز اختلاف بیاندازد. در حالیکه خانه کارگر بخش زیادی از پول کارگران را بالا کشیده است، کارگران شرکت واحد و کارخانه‌های دیگر را در برابر هم قرار دهد و در اینجا نیز نقش تفرقه افکنانه خود را به عنوان عامل سرمایه بازی نماید.

گسترش سرکوب و ترور در کردستان

در ادامه سیاست تشدید سرکوب و رعب و وحشت، در کردستان نیز سیاست دستگیریهای گسترده و تیرباران فعالان سیاسی در دستور کار حکومت قرار گرفته است. طبق اخبار منتشره در روزهای پایانی سال ۷۹ یکی از فعالان سیاسی کردستان به نام کمال محمدی تیرباران شد. این عمل وحشیانه در حالی صورت گرفت که طی ماههای آخر سال ۷۹ و به ویژه در آستانه نوروز حرکات اعتراضی متعددی در شهرهای کردستان علیه رژیم برپا شد که نیروهای سرکوب با حمله به شرکت کنندگان در این حرکات اعتراضی دهها تن را دستگیر و ورائه زندان نمودند. ما تیرباران کمال محمدی از فعالان سیاسی کردستان را محکوم می‌کنیم. دستگیری و اعدام مخالفان تنها هراس رژیم جمهوری اسلامی را از گسترش مبارزات توده‌ای به نمایش می‌گذارد و جز تشدید مبارزه مردم نتیجه‌ای برای رژیم در بر نخواهد داشت.

* تجمع اعتراضی

کارگران کارخانه شادان پور

کارگران کفش شادان پور یک بار دیگر در مقابل ساختمان این شرکت دست به اعتراض زدند و خواهان حقوق معوقه خود شدند. کارگران شادان پور ۹ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. اقدامات اعتراضی کارگران تا کنون نتیجه‌ای در پی نداشته و هر بار با وعده و وعید، کارگران را سردوانده‌اند. مدیریت شرکت نیز در این مدت به کارخانه مراجعه نکرده است. در اجتماع اعتراضی کارگران حدود ۴۰۰ تن شرکت داشتند. نیروهای سرکوب رژیم در محل حضور یافتند و کارگران را با زور مجبور نمودند به درون کارخانه بروند.

* تجمع کارگران دانشگاه علوم پزشکی خراسان

گروهی از کارگران قراردادی دانشگاه علوم پزشکی خراسان که تعدادشان به ۵۰۰ نفر می‌رسید، روز ۲۰ فروردین در محل این دانشگاه اجتماع نمودند و نسبت به اخراج خود اعتراض کردند. این کارگران که برخی سابقه کار آنها به ۱۵ تا ۲۰ سال می‌رسد، خواهان لغو تصمیم مقامات دولتی مبنی بر اخراج و ممنوعیت استخدام افراد با مدرک کمتر از سیکل بودند.

گزیده ای از نامه‌های رسیده

توضیح کوتاهی بر ستون گزیده ای از نامه‌های رسیده.

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، به معنی عدم مخالفت نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار می‌باشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم می‌گیرد.

تحریریه کار در گزینش نامه‌ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است. نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت‌هایی از نامه‌های رسیده و همچنین یادداشت‌هایی را که از شکل‌های دمکراتیک دریافت می‌کند، انتخاب کرده و آنرا به چاپ برساند. درج این مطالب، لزوماً به معنی تأیید مواضع نویسندگان نامه و یا تشکلهای نمی‌باشد.

از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند درخواست می‌کنیم نامه خود را اگر تایپ نمی‌کنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی.

هلند دوست بسیار عزیز (م. ش) نامه کوتاه شما و مبلغ صد فلورنی که فرستاده بودید به دستمان رسید همانطور که خواسته بودید، پس از کسر هزینه آبونه نشریه (۳۵ فلورن) بقیه را به حساب کمک مالی شما گذاشتیم و کد آن در نشریه کار آمده است. با تشکر از همیاری شما.

هلند دوست عزیز (H. R. A) نامه محبت آمیز شما را دریافت کردیم، آدرس جدید شما را در اختیار واحد انتشارات سازمان قرار دادیم تا نسبت به خواست شما اقدام شود. پیروز باشید.

* نامه‌ای با امضاء "راديو بروسکه" مورخ دوم ژانویه با تاخیر زیاد به دست ما رسیده است. در این نامه چنین عنوان شده است که "راديو بروسکه در نظر دارد دیدگاه‌ها و مواضع کلیه نیروهای سیاسی در مورد مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت و بطور مشخص مسئله کردستان را در یک صفحه الکترونیکی جمع آوری کرده و از آن طریق در اختیار همگان قرار دهد". فرستندگان نامه، در همین رابطه از ما نیز خواسته‌اند تا "مواضع خود" را برایشان بفرستیم.

باید به اطلاع این دوستان برسانیم که مواضع سازمان در مورد مسئله ملی و حق ملل در سرنوشت خود در نشریه کار و نیز ریگای گل که در گذشته کمیته کردستان سازمان ما آن را انتشار می‌داد انعکاس یافته است که با مراجعه به آرشیو این نشریات می‌توان به این مواضع پی برد، معهداً مقاله‌ای که در همین شماره نشریه کار در مورد مسئله ملی به تحریر در آمده است به آدرس این دوستان ارسال می‌شود.

پیام‌های رسیده به سازمان به مناسبت بزرگداشت سیاهکل

پیام حزب چپ سوئد
به سازمان فدائیان (اقلیت)

حزب چپ سوئد مایل است که صمیمانه ترین دروذهای خویش را به مناسبت سی امین سال تولد سازمان فدائیان (اقلیت) تقدیم کند. ما از مبارزه طولانی، دشوار و پرمشقت شما در راه یک ایران دمکراتیک و سوسیالیستی با خبریم.

روزگاری فدائیان موفق شدند که فضای پراز ناامیدی و سکونی را که حکومت شاه در ایران آفریده بود، از میان ببرند و بنیان گذار مبارزه‌ای سخت و امید بخش در تحولات انقلابی، برای آزادی، عدالت اجتماعی و برابر شوند. اما آن تحول انقلابی که فدائیان برایش مبارزه کردند و آرزویش را داشتند در روند خویش تغییر ماهیت داد و زیر سلطه واپسگرایان اسلامی قرار گرفت. چنین شد که نیروهای پیشرو جامعه مجبور شدند به فعالیت زیر زمینی روی بیاورند.

واپسگرایانی که پس از به قدرت رسیدن، موجی از جنایات به راه انداختند و به نقض حقوق بشر و به سرکوب بنیادی ترین خواسته‌های دمکراتیک مردم ایران دست زدند. امروز کشور شما توسط حکومتی اداره می شود که تلاش می کند مسائل سیاسی کشور را تنها از طریق اعمال خشونت بی حد و مرز علیه نیروهای مخالف حل کند. علیرغم این دوران سیاه و علیرغم همه دشواریهایی که فدائیان و مردم ایران با آن دست به گریبانند، به نظر می رسد که فضای ناامیدی اندک اندک رخت برمی بندد، بی اعتمادی نسبت به حکومت روز به روز بیشتر می شود و بنیان رژیم

پیام ک. پ. م. ل (ار) حزب
کمونئیست مارکسیست_ لنینیست
(انقلابی سوئد)

رفقا! سی امین سال تولد سازمانتان را به اعضاء و هوادارانانتان تبریک می گوئیم. شما تنها سازمان انقلابی هستید که در عرض ۳۰ سال از مبارزه انقلابی در ایران دفاع کردید و با مبارزه قهرآمیز آغازگر آن بودید. حزب ما همیشه از فعالیت های انقلابی شما مطلع بوده است و در مبارزات کارگران و مردم ایران همیشه خود را در کنار آنان احساس کرده ایم. امیدواریم شما در مبارزات برای دفاع از حقوق پرولتاریای ایران و توده های تحت ستم همیشه موفق باشید و ما را در کنار خود احساس کنید.

با دروذهای رفیقانه

روابط بین المللی حزب کمونیست
مارکسیست _ لنینیست (انقلابی) سوئد

اسلامی سست تر .

ما امیدواریم که به زودی بتوانیم شاهد آغاز پایان این حکومت باشیم. بهترین تبریکات و دروهای ما را بپذیرید.

از طرف حزب چپ

لارش الی _ Lars Ohly

عضو کمیته مرکزی حزب، نماینده مجلس و
عضو کمیسیون سیاست خارجی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1017 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagermd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)
۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

به علت تراکم مطالب ادامه مقاله مبارزه طبقاتی و رهائی زنان در شماره

آینده نشریه کار درج خواهد شد

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian - minority .org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian - minority .org

KAR

Organization Of Fedaiian (Minority)

No.356 april 2001

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی